گزارش

شام آخر دیپلماسی؟

ادامه از صفحه ۲

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تأکید کرد ادعاهای مربوط به گذشته برنامه هسته‌ای ایران، طبق قطع‌نامه نوامبر ۲۰۱۵ پس از برجام مختومه اعلام شده و احیای آنها مغایر با این قطع‌نامه و اقدامی سیاسی است. غریب‌آبادی تأکید کرد آژانس خود در گزارش اذعان کرده دو مکان لویزان-شیان و مریوان دیگر موضوعات باقی‌مانده نیستند و طرح مجدد آنها صرفا برای سوءاستفاده سیاسی است. درباره دو مکان دیگر، ورامین و تورقوزآباد، او توضیح داد ایران مستندات و توضیحات لازم را، از جمله در سفرهای اخیر معاون پادمان آژانس به تهران، ارائه کرده است. این دیپلمات کشورمان متذکر شد ایران هیچ فعالیت یا مواد اظهارنشده‌ای ندارد و تمامی فعالیت‌هایش تحت نظارت آژانس است. غریب‌آبادی بزرگ‌نمایی این ادعاها را تلاشی برای ایجاد نگرانی تصنعی خواند، در حالی که رژیم صهیونیستی، تنها دارنده سلاح هسته‌ای منطقه، از نظارت آژانس معاف است.

او با اشاره به تناقض در گزارش آژانس، که از یک‌سو ادعای «برنامه هسته‌ای ساختارمند اعلام‌نشده» تا دهه ۲۰۰۰ را مطرح کرده و از سوی دیگر نبود نشانه‌ای از چنین برنامه‌ای در حال حاضر را تأیید می‌کند، این رویکرد را نتیجه فشار سیاسی برخی کشورها دانست. غریب‌آبادی افزود که طرح غنی‌سازی ۶۰درصدی به‌عنوان موضوعی نگران‌کننده، خارج از مأموریت آژانس و اقدامی سیاسی در راستای منافع کشورهای خاص است. معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه درباره کد اصلاحی ۳.۱ نیز توضیح داد پس از خروج آمریکا از برجام و عدم اجرای تعهدات اروپا، ایران طبق قانون راهبردی مجلس، تعهدات فراپادمانی خود را متوقف کرد. او تأکید کرد کد ۳.۱ تعهد پادمانی نیست و طرح آن توسط آژانس فاقد مشروعیت است.

غریب‌آبادی به ادعای آژانس درباره لغو انتصاب بازرسان اروپایی نیز پاسخ داد و گفت ۱۲۰ بازرس از ملیت‌های مختلف در ایران فعالیت می‌کنند. او لغو انتصاب برخی بازرسان را حق پادمانی ایران دانست و انتقاد گروسی را غیرمنصفانه خواند؛ زیرا ظرفیت آژانس در ایران با حضور این تعداد بازرس تضعیف نشده است. معاون وزیر خارجه با استناد به گزارش پادمان آژانس در ۲۰۲۴، که تأیید کرده مواد هسته‌ای ایران در فعالیت‌های صلح‌آمیز باقی مانده، گفت که ایران ۲۱ تأسیسات از ۱۰۰ تأسیسات تحت پادمان در کشورهای بدون پروتکل الحاقی را میزبانی می‌کند. همچنین ۴۹۳ بازرسی از ۶۸۲ بازرسی این گروه، ۱۴۴ راستی‌آزمایی طراحی از ۲۲۴ مورد و ۱۲۶۰ نفر-روز بازرسی از ۱۸۹۵ مورد، در ایران انجام شده است. او افزود که ۲۲.۶ میلیون یورو از بودجه عادی و ۴.۳ میلیون یورو از بودجه داوطلبانه آژانس در ۲۰۲۴ صرف ایران شده است. غریب‌آبادی این سطح از همکاری را نشانه تعهد ایران دانست و تمرکز آژانس بر موضوعات مختومه گذشته را سیاسی خواند. او با اشاره به سکوت آژانس در برابر برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی، این رویکرد را نمونه‌ای از استانداردهای دوگانه دانست.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد ایران با بررسی بسته پیشنهادی آمریکا، گفت‌وگو با گروسی و پاسخ مفصلش به گزارش جامع آژانس، نشان داده به دیپلماسی پایبند است، اما از حقوق هسته‌ای خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. همکاری گسترده ایران با آژانس، شامل میزبانی صدها بازرسی و ارائه مستندات، شفافیت برنامه هسته‌ای این کشور را تأیید می‌کند. هشدار عراقچی به گروسی و پاسخ غریب‌آبادی به اتهامات، نشان‌دهنده عزم ایران برای مقابله با فشارهای سیاسی است. سفر وزیر خارجه عمان و ارائه بسته پیشنهادی، فرصتی برای ادامه گفت‌وگوها فراهم کرده، اما شرط موفقیت آن، احترام به خطوط قرمز ایران، از جمله حفظ زیرساخت‌های هسته‌ای است. ایران، با تکیه بر همکاری با آژانس و حمایت متحدان خود، در برابر هرگونه اقدام سیاسی در شورای حکام آماده پاسخ‌گویی است. این رویکرد، ضمن حفظ استقلال ملی، مسیر دیپلماسی را برای دستیابی به توافقی عادلانه باز نگه می‌دارد.

توپ هسته‌ای در زمین اروپا و آمریکا

ادامه از صفحه ۲

چون این استدلال در محافل سیاسی آمریکا وجود دارد که اگر اکنون با ایران توافق نشود، در آینده نزدیک باید با ایران هسته‌ای مذاکره و توافق کرد که بسیار سخت‌تر خواهد بود.

وضعیت ایران یا بهتر بگوییم وزن تهران پس از این گزارش جامع آژانس را چگونه تحلیل می‌کنید؟

این سؤال شما به نحوی تأییدکننده پاسخ قبلی من است. به نظر من اتفاقا این گزارش دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، وزن مذاکراتی و قدرت چانه‌زنی ایران را تقویت می‌کند. چون طبق گزارش پیشین آژانس، ایران نزدیک به ۲۷۵ کیلو اورانیوم غنی‌شده با درصد ۶۰ در اختیار داشت که اکنون طبق گزارش جامع، این میزان به ۴۰۸ کیلو رسیده است. پس درحال‌حاضر دست ایران برای مذاکره، چه با آژانس، چه با اروپا و چه با آمریکا، پربارتر شده است و می‌تواند از موضع قوی‌تری وارد مذاکرات، چانه‌زنی و توافق متوازن با آمریکا شود. ضمن اینکه شاید آمریکا را به این سمت ترغیب کند که هرچه سریع‌تر به یک توافق با احترام به شروط و حقوق ذاتی هسته‌ای ایران گام بردارد و دست یابد تا از مسیر دیپلماسی مانع افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران شود.

و برای سؤال آخر، دوباره روی سناریوی بدبینانه تمرکز کنیم. در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه، واکنش هم‌وزن تهران چه خواهد بود؟ آیا در نهایت خروج از ان‌پی‌تی را عملیاتی خواهد کرد؟

به نظر من حتی اگر مذاکرات هم به نتیجه نرسد، ایران فعلا تمایلی ندارد که از ان‌پی‌تی خارج شود، مگر آنکه هم مکانیسم ماشه فعال شود و قطع‌نامه‌های سازمان ملل بازگردد و هم مانند سال ۲۰۰۵ میلادی که پرونده ما به شورای امنیت رفت، در نشست آتی شورای حکام که مهرماه برگزار می‌شود، پرونده ایران مجددا به شورای امنیت ارجاع داده شود، یعنی این‌گونه پرونده هسته‌ای ایران را دوقبضه کنند که هم اسنپ‌بک فعال شود و هم پرونده به شورای امنیت برود. در آن صورت، من گزینه تغییر دکترین هسته‌ای و خروج احتمالی ایران از ان‌پی‌تی را بعید نمی‌دانم. زیرا طبق ان‌پی‌تی، باید توازن بین حقوق و تعهدات هسته‌ای ایران حفظ شود.

تبعات بعدی آن چه خواهد بود، چون همواره سعی می‌شود ایران را با مدل اسرائیل مقایسه کنند، درحالی‌که پرونده ایران قطعا ماهیت امنیتی و سیاسی دارد؛ نه فنی و حقوقی؟

یقینا همین‌طور است. پرونده هسته‌ای ایران مشابهی ندارد؛ نه اسرائیل، نه کره شمالی و نه نمونه دیگری. من از سال ۱۳۸۲ این باور و تأکید را داشتم که پرونده هسته‌ای ایران بیش از آنکه ابعاد فنی، حقوقی و علمی و کارشناسی داشته باشد، ماهیت امنیتی و سیاسی و راهبردی پیدا کرده است. به‌همین‌دلیل راه‌حل پرونده هسته‌ای ایران هم یک راه‌حل فنی و حقوقی صرف نیست، بلکه یک راه‌حل سیاسی و راهبردی است، بنابراین مشخصا در پاسخ به سؤال شما، اگر با فعال‌شدن مکانیسم ماشه، قطع‌نامه‌ها بازگردد و هم‌زمان پرونده ایران هم به شورای امنیت برود؛ دیگر نمی‌توان توجیهی پیدا کرد که ایران بتواند در ان‌پی‌تی بماند. چون در آن صورت حکایت جمهوری اسلامی ایران حکایت کسی است که همه هزینه‌ها را برای پرونده هسته‌ای داده، اما آورده و خروجی برای آن ندارد. مجددا تکرار می‌کنم که باید در چارچوب ان‌پی‌تی، در کنار تعهدات و تکالیف ایران، حقوق ذاتی آن نیز لحاظ و محترم شمرده شود. در پایان امیدوارم با اتخاذ رویکرد معقول از سوی آمریکا و اروپا کار به اینجا نکشد. به نظرم توپ هسته‌ای اکنون در زمین اروپا و آمریکاست. تجربه نشان داده است تشدید مواضع آمریکا و اروپا، مواضع ایران را نیز تشدید می‌کند.

گزارش تحلیلی درباره مقاله «آیا توافق خوب با ایران ممکن است؟» نوشته ریچارد نفیو

از فشار حداکثری تا توافق مطلوب

علیرضا اسدی: مقاله‌ای با عنوان «آیا توافق خوب با ایران ممکن است؟»، به قلم آقای ریچارد نفیو، پژوهشگر ارشد دانشگاه کلمبیا و از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه سیاست تحریمی آمریکا، در ۲۶ می ۲۰۲۵ در نشریه معتبر فارن‌افرز منتشر شد. ایشان که در گذشته از معماران اصلی تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، در این مقاله به ارزیابی امکان‌پذیری یک توافق جدید هسته‌ای میان ایران و آمریکا در دوران دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ پرداخته است. نویسنده تلاش دارد با ارائه تحلیلی چندبعدی، مجموعه‌ای از چالش‌ها، فرصت‌ها، عناصر کلیدی و پیامدهای احتمالی چنین توافقی را تبیین کند. تمرکز اصلی مقاله بر مفاهیمی مانند شفافیت، چارچوب نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حدود برنامه غنی‌سازی، سازوکارهای رفع تحریم‌ها و نیز ملاحظات منطقه‌ای مرتبط با ثبات خاورمیانه و سیاست‌های منطقه‌ای ایران است. این گزارش تحلیلی با هدف بازتاب دقیق و ساختاریافته محتوای مقاله «آیا توافق خوب با ایران ممکن است؟» تدوین شده است. ضمن حفظ انسجام مفهومی و وفاداری به چارچوب تحلیلی نویسنده، تلاش شده است نکات کلیدی و ابعاد راهبردی مقاله به‌گونه‌ای شفاف و هدفمند تبیین شود. در پایان، با توجه به حوزه مأموریت وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادهایی اجرائی و آینده‌نگرانه ارائه شده است که می‌تواند در تعاملات فرابخشی و سیاست‌گذاری‌های آتی در حوزه انرژی و دیپلماسی اقتصادی استفاده شود.

زمینه و پیش‌زمینه

مقاله با اشاره به ازسرگیری غیرمنتظره گفت‌وگوهای هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا آغاز می‌شود. این مذاکرات در شرایطی مطرح شده‌اند که دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ از توافق برجام خارج شد؛ توافقی که در سال ۲۰۱۵ با هدف محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران و افزایش سطح نظارت بین‌المللی در دولت باراک اوباما به امضا رسیده بود. برجام با ایجاد محدودیت‌های سخت‌گیرانه در حوزه غنی‌سازی اورانیوم، تعداد سانتریفیوژها، و تقویت نظارت آژانس، فاصله زمانی ایران برای تولید مواد لازم جهت ساخت سلاح هسته‌ای را به بیش از یک سال افزایش داد. با این حال، پس از خروج آمریکا از برجام، ایران به صورت تدریجی فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش داد و از سال ۲۰۱۹، توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته و غنی‌سازی در سطوح بالا را از سر گرفت. تا زمان نگارش مقاله، ایران بنا بر ارزیابی برخی منابع غربی، تنها چند روز با تولید مواد هسته‌ای با کاربرد بالقوه نظامی فاصله دارد؛ موضوعی که به نظر نویسنده، فوریت یک توافق جدید را برجسته می‌کند. نفیو بر این باور است که با وجود سوابق پیچیده در روابط دوجانبه، هر دو طرف به نوعی آمادگی ورود به چارچوب جدیدی از توافق را دارند. دولت ترامپ از منظر حفظ ثبات نسبی در منطقه و کسب دستاوردی دیپلماتیک برای تقویت موقعیت سیاسی داخلی خود و ایران نیز از منظر کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و بازتعریف نقش منطقه‌ای، انگیزه‌هایی برای مذاکره مجدد دارند.

عناصر کلیدی یک توافق احتمالی

ریچارد نفیو معتقد است که هرگونه توافق جدید باید با لحاظ کاستی‌های تجربه برجام بر پایه شفافیت حداکثری و تقویت سازوکارهای نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بنا شود. او چهار محور اصلی را به‌عنوان ارکان یک توافق پایدار بررسی می‌کند:

۱. شفافیت و رژیم‌های نظارتی

به باور نویسنده، بنیان هر توافق مؤثر، یک چارچوب بازرسی قدرتمند و قابل اعتماد است که زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اجرا شود. اگرچه برجام توانست میزان مشخصی از شفافیت در حوزه تولید سانتریفیوژها و ذخایر اورانیوم ایجاد کند، اما محدودیت‌هایی در دسترسی به سایت‌های اعلام‌نشده و برخی فعالیت‌های حساس باقی ماند.

از نگاه نفیو، توافق جدید باید در این زمینه‌ها گام‌های تکمیلی بردارد و جمهوری اسلامی ایران را به تعهدات زیر ملزم کند:

- اجرای کامل توافق‌نامه پادمان و پروتکل الحاقی IAEA، شامل بازرسی از سایت‌های اعلام‌شده و حتی اعلام‌نشده، مطابق رویه‌های بین‌المللی، در راستای افزایش اعتمادسازی؛
- ارائه گزارش دقیق درباره تعداد، محل و فعالیت سانتریفیوژها، به‌ویژه در پی وقایعی مانند حملات سایبری یا خراب‌کاری در تأسیسات؛
- پرداختن صریح به جنبه‌های مرتبط با ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای، با هدف تقویت اطمینان بین‌المللی درباره ماهیت صرفا صلح‌آمیز آن.

نویسنده معتقد است رعایت‌نشدن این چارچوب‌ها باید از پیش، مبنای خروج خودکار آمریکا از توافق قرار گیرد تا از تکرار الگوهای گذشته جلوگیری شود. او تأکید می‌کند که توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته، کاهش زمان گریز هسته‌ای و پیچیدگی تأسیسات مقاوم‌سازی‌شده، ضرورت افزایش شفافیت و امکان‌پذیری نظارت فنی را بیش‌ازپیش برجسته کرده است.

۲. محدودیت‌های غنی‌سازی اورانیوم

موضوع غنی‌سازی اورانیوم همچنان یکی از اصلی‌ترین محورهای اختلاف است. نفیو اذعان دارد که برجام توانست با محدودسازی سطح غنی‌سازی و تعداد سانتریفیوژها، برنامه ایران را مهار کند؛ اما پس از خروج آمریکا از توافق، ایران به‌درستی تصمیم گرفت این محدودیت‌ها را کنار گذاشته و برنامه خود را براساس منافع ملی بازطراحی کند.

نفیو سناریوهای مختلفی را پیشنهاد می‌دهد:

- در سناریوی ایدئال از نگاه غرب، ایران به طور کامل از غنی‌سازی اورانیوم صرف‌نظر می‌کند، به‌ویژه با توجه به آنکه سوخت رآکتور بوشهر از سوی روسیه تأمین می‌شود. اما او بلافاصله اذعان دارد که این خواسته با واقعیت‌های سیاسی و سرمایه‌گذاری فنی و اجتماعی ایران همخوانی ندارد؛
- پیشنهادهایی مانند کنسرسیوم‌های منطقه‌ای یا مدل‌های غنی‌سازی مشترک با کشورهای ثالث (نظیر عربستان سعودی) نیز مطرح می‌شوند که می‌توانند با مشارکت نهادهای بین‌المللی، نظارت چندجانبه را تقویت کرده و از جنبه تبلیغاتی فشار را کاهش دهند؛
- در سناریوی واقع‌گرایانه‌تر، غنی‌سازی محدود و تحت نظارت سخت‌گیرانه ممکن است مورد توافق قرار گیرد، مشروط به آنکه نگرانی‌های امنیتی طرف غربی تا حدی پوشش داده شود.

به باور نفیو، ظرفیت غنی‌سازی همچنان یکی از عناصر کلیدی برای توانمندی بالقوه ساخت سلاح است و به‌همین‌دلیل هرگونه توافق جدید باید بر اعمال سقف‌های کمّی و کیفی مشخص بر آن تمرکز کند.

۳. چارچوب رفع تحریم‌ها

رفع تحریم‌ها برای ایران، یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌ها در هرگونه توافق احتمالی به شمار می‌رود. نویسنده با اشاره به تأثیر گسترده تحریم‌های ثانویه و محدودیت‌های تجاری، معتقد است که واشنگتن می‌تواند با یک رویکرد تدریجی، رفع تحریم‌ها را به پیشرفت تعهدات فنی ایران گره بزند.

در این چارچوب:

- اگر ایران با توقف یا محدودسازی بلندمدت غنی‌سازی موافقت کند، امکان رفع تدریجی تحریم‌های ثانویه و بخش‌هایی از محدودیت‌های حوزه انرژی، تولیدات تجاری و بانکی فراهم می‌شود؛
- با این حال، او تصریح می‌کند که تحریم‌های مربوط به نهادهای نظامی، فناوری‌های دوگانه و نیروهای نیابتی باید باقی بمانند، تا به گفته او «اهرم بازدارنده آمریکا حفظ شود»؛
- او می‌پذیرد که حتی رفع جزئی تحریم‌ها می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش ظرفیت تولید ایران منجر شود، درعین‌حال درباره احتمال گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران هشدار می‌دهد.

در مواجهه با این چالش، نویسنده پیشنهاد می‌دهد که واشنگتن باید برخی محدودیت‌های صادراتی در حوزه موشک، پهپاد و تجهیزات نظامی را به صورت شفاف در متن توافق درج کرده و از ایران بخواهد به «عدم مداخله منطقه‌ای» پایبند باشد؛ هرچند اذعان می‌کند که اثربخشی این مکانیسم‌ها نیازمند اراده سیاسی مستمر و ابزارهای نظارتی قابل اتکا است.

۴. ثبات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران

نفیو در بخش چهارم مقاله خود به ارتباط میان رفع تحریم‌ها، نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ثبات ژئوپلیتیکی خاورمیانه می‌پردازد. از دیدگاه او، دستیابی به یک توافق جدید، افزون بر مهار بُعد هسته‌ای برنامه ایران، می‌تواند فضای تنفسی برای کاهش سطح تنش در منطقه ایجاد کند. با این حال، او معتقد است برخی تحلیلگران آمریکایی درباره آنچه «پیامدهای غیرمستقیم اقتصادی و امنیتی توافق» می‌نامند، هشدار می‌دهند. ازجمله این نگرانی‌ها، احتمال استفاده ایران از منابع آزادشده در پی رفع تحریم‌ها برای تقویت ظرفیت‌های منطقه‌ای خود است. به‌ویژه برخی محافل غربی بر این باورند که توان بازیگران غیردولتی همسو با ایران، برنامه‌های موشکی و فناوری‌های دریایی ممکن است در چنین شرایطی بهبود یابد. نفیو پیشنهاد می‌دهد که توافق، در صورت امکان، شامل بندهایی درباره شفاف‌سازی فعالیت‌های منطقه‌ای یا ایجاد خطوط قرمز مشخص باشد تا به گفته او، مسیر اقدامات بعدی در صورت نقض تعهدات هموار شود. با وجود این، نویسنده اذعان دارد که نیروهای هم‌پیمان ایران در منطقه حتی در شرایط فشار تحریمی نیز توانایی عملکرد داشته‌اند و لذا بخشی از ریسک‌های ادعاشده، از جنس واقعیات ساختاری سیاست منطقه‌ای هستند، نه صرفا محصول تحولات اقتصادی حاصل از توافق.

چالش‌ها و ریسک‌های تحقق توافق

نفیو با نگاهی واقع‌گرایانه، به مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری اشاره می‌کند که می‌تواند روند تحقق توافق را با پیچیدگی مواجه کند:

- ملاحظات ملی جمهوری اسلامی ایران: از نگاه نویسنده، ایران احتمالا با واگذاری کامل توانمندی‌های فناورانه و تعطیلی برنامه غنی‌سازی مخالفت خواهد کرد، چراکه این برنامه بخشی از هویت راهبردی و غرور ملی کشور تلقی می‌شود.
- محدودیت‌های داخلی آمریکا: در سوی مقابل، هرگونه گشایش در زمینه رفع تحریم‌ها باید با در نظر گرفتن حساسیت‌های داخلی ایالات متحده، به‌ویژه در کنگره، همراه باشد. هرگونه توافق جدید باید به‌نحوی طراحی شود که بتواند حمایت دوحزبی را جلب کند و ضعف‌های برجام از نگاه منتقدان را برطرف کند.
- بی‌اعتمادی ناشی از تجارب پیشین: خروج دولت ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ موجب تزلزل در اعتماد متقابل شده است. نفیو تصریح می‌کند که ایران در هر توافق جدید، به‌دنبال دریافت تضمین‌هایی برای دوام و مصونیت توافق در برابر تغییرات سیاسی در آمریکا خواهد بود.
- پیچیدگی‌های منطقه‌ای: در نهایت، توافقی که موجب مهار هسته‌ای شود، ممکن است در نگاه برخی بازیگران منطقه‌ای، منجر به تقویت جایگاه سیاسی و راهبردی ایران شود. در صورتی که توازن منطقه‌ای تغییر کند یا برنامه‌های نظامی و دفاعی ایران به رشد ادامه دهند، ممکن است برخی کشورهای منطقه یا متحدان آمریکا نسبت به مسیر آینده توافق تردید داشته باشند. با وجود تمامی این موارد، نفیو بر این باور است که با طراحی هوشمندانه یک چارچوب نظارتی مؤثر و اعمال محدودیت‌های واقع‌بینانه بر برنامه غنی‌سازی، می‌توان از خطر بروز بحران هسته‌ای کوتاه‌مدت جلوگیری کرد و هم‌زمان مسیر ثبات نسبی در منطقه را هموار کرد.

فرصت استراتژیک برای دولت ترامپ

ریچارد نفیو بر این باور است که بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت سیاسی داخلی و رویکرد متفاوت او نسبت به توافقات بین‌المللی، فرصتی بی‌سابقه برای دستیابی به توافقی نوین با جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است؛ توافقی که از منظر دولت آمریکا، می‌تواند از جهاتی نسبت به برجام «قوی‌تر و بادوام‌تر» تلقی شود.

او تأکید می‌کند که ترامپ به‌دلیل تسلط بر ساختار حزب جمهوری‌خواه و تمایل به تثبیت وجهه خود به‌عنوان یک مذاکره‌کننده موفق، در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند انعطاف بیشتری برای پذیرش یک توافق نشان دهد؛ البته مشروط به آنکه این توافق در چارچوبی جدید، متفاوت از برجام و با عناصر نظارتی قوی‌تر تعریف شود.

از منظر نفیو، این رویکرد می‌تواند به دولت ترامپ اجازه دهد:

- سازوکارهای نظارتی آژانس را فراتر از مفاد برجام تقویت کند؛
- بر محدودیت‌های فنی برنامه هسته‌ای ایران، به‌ویژه در حوزه غنی‌سازی و تجهیزات حساس، چارچوب‌های محکم‌تری اعمال کند؛
- و در عین حال، برخی بندهای مشخص درباره فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی را نیز به توافق جدید اضافه کند. نویسنده هشدار می‌دهد که گزینه نظامی برای مهار پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران همواره به‌عنوان یک سناریوی جایگزین نزد دولت آمریکا باقی خواهد ماند؛ با این حال، این مسیر به‌دلیل هزینه‌های بالا، خطر ورود به درگیری منطقه‌ای و احتمال واکنش ایران و متحدانش، در اولویت واشنگتن نیست. در نهایت، نفیو نتیجه می‌گیرد که اگرچه رسیدن به یک توافق جدید مستلزم امتیازدهی‌های دشوار از سوی هر دو طرف است، اما شرایط خاص دولت ترامپ، فضای دیپلماتیک فعلی و ضرورت جلوگیری از بحران فوری هسته‌ای، می‌تواند بستر مناسبی برای یک مصالحه راهبردی فراهم آورد.

توصیه‌های استراتژیک برای وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران

در چارچوب ارزیابی مقاله ریچارد نفیو و با عنایت به روندهای نوظهور در تعاملات غیرمستقیم ایران و آمریکا، لازم است وزارت نفت ضمن رصد تحولات، نقشی فعال و هدفمند در طراحی سناریوهای هم‌راستا با منافع ملی ایفا کند. تجربه اجرای برجام به‌روشنی نشان داد که پیوند منافع اقتصادی شرکت‌های بزرگ آمریکایی با مفاد توافق، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت پایبندی ایالات متحده به آن ایفا کند. در صورتی که این شرکت‌ها در قالبی گسترده و راهبردی در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری کنند، زمینه برای استمرار توافق در دولت‌های بعدی آمریکا تقویت خواهد شد و خروج از آن، به تصمیمی پرهزینه، پیچیده و همراه با واکنش‌های بازدارنده از سوی نخبگان اقتصادی و سیاسی تبدیل خواهد شد. از این منظر، یکی از مؤثرترین راهکارها برای تضمین تعهد بلندمدت ایالات متحده به توافق، درگیرساختن شرکت‌های بزرگ آمریکایی، به‌ویژه در حوزه انرژی، در فرایند اجرائی توافق است. وزارت نفت می‌تواند با بهره‌گیری از این واقعیت راهبردی، اقدامات زیر را مدنظر قرار دهد:

پیشنهادات کلیدی:

۱. طراحی پروژه‌های هدفمند در حوزه گاز طبیعی با قابلیت مشارکت خارجی، از جمله توسعه زیرساخت‌های انتقال و ذخیره‌سازی که بتواند به‌صورت مرحله‌ای و با مشارکت غیرمستقیم شرکت‌های معتبر اجرا شود؛

۲. ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری Mini LNG به‌ویژه برای صادرات به بازارهای منطقه‌ای در قالب مدل‌هایی که قابلیت تطبیق با الزامات حقوقی و تحریمی فعلی را داشته باشند؛

۳. تهیه پیش‌نویس قراردادهای تولید مشترک (PSA) برای میادین نفت و گاز مرزی، با چارچوب‌های حقوقی استاندارد بین‌المللی و ملاحظات جذب سرمایه‌گذاری کلان، به‌گونه‌ای که امکان ورود تدریجی بازیگران غربی را در مراحل آتی فراهم کند؛

ادامه در صفحه ۵

بسمه تعالی

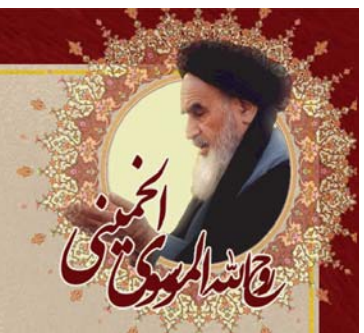

این اجتماع بزرگ هر ساله دارای یک هدف مهم و مورد نیاز ملت ایران است، و آن عبارت است از تجدید یاد امام بزرگوار و بهره گیری از درس امام بزرگوار برای پیشرفت کشور و اداره ی کشور و تعقیب اهداف بلند انقلاب.
«رهبر معظم انقلاب اسلامی»

هموطنان عزیز، مردم شریف ایران

فراخوان مشارکت در بزرگترین گردهمآیی فرهنگی -اجتماعی کشورمان در آستانه سالروز چهارده و نیمه خرداد فرا رسید. امسال چند مناسبت، این رویداد مهم را متفاوت تر از گذشته در پیش چشم میلیون‌ها ناظر داخلی و خارجی برجسته نموده است.
الف) به لحاظ معنوی تقارن روز بزرگداشت حضرت امام خمینی در ۱۴ خرداد با شب عرفه، این بزرگترین میعاد عارفان و مناجاتیان، بستری است برای بهره مندی بیشتر از معنویت ایام حج و هم‌صدایی با مناجات حاجیان در حرم احیاگر راستین حج ابراهیمی و آموزگار عرفان حسینی.
ب) تداوم رنج دردآور مظلومان بی پناه فلسطینی، سکوت شرم‌آور شورای امنیت سازمان ملل، بی تحرکی نهادهای مسئول بین المللی در برابر نسل کشی آشکار و فجایع بی‌نظیر رژیم صهیونیستی در غزه در یک سو؛ و در سوی دیگر امواج رو به افزایش اعتراض‌ها و اجتماعات مردمی حتی در داخل کشورهای حامی رژیم صهیونیستی و موج روز افزون خشم عمومی انسان‌های آزاده جهان از این همه جنایت و کشتار آشکار، تقابل واقعی خیر و شر را عریان‌تر از همیشه به نمایش گذارده است.
بزرگداشت یاد و نام امام خمینی، که فریادش علیه ستمگران و مستکبران و شعارش آزادی فلسطین و قدس عزیز بود، مناسبترین جلوه گاه ابراز ندای فطرت‌های پاک در حمایت از مظلومین و برائت از ستمگران است. و در همین راستا این مراسم در واقع در سالجاری بزرگداشت همه آزادگان شهید و سرافرازی است که در مسیر مقاومت و دفاع از مظلومان در جبهه مقاومت به لقای حق شتافته‌اند.
ج) مراسم ۱۴ خرداد امسال در شرایطی بر گزار می‌شود که دولت محترم با شعار وفاق ملی برای کاهش مشکلات معیشتی مردم و رفع ناترازیها و تقویت بنیه اقتصادی کشور صادقانه در تلاش است و در عرصه سیاست خارجی نیز همزمان فعالانه برای احقاق حقوق ملت بزرگ ایران و رفع تحریم‌های ظالمانه، روند مذاکرات پیچیده و دشوار را با هوشمندی و متانت و البته با اقتدار و صلابت مدیریت کرده و به پیش می برد؛ مطمئنا نیل به موفقیت در این عرصه‌ها بیش از هر زمانی در گرو همدلی تمامی مسئولان و خدمتگزاران قوای مختلف نظام؛ و نیازمند حمایت و همصدایی آحاد ملت شریفمان است. و انشاء الله نظام جمهوری اسلامی این مسیر را با "امید و اقتدار" به‌سرمنزل مقصود خواهد رساند.
حضور گسترده پیروان حضرت روح الله در حرم امام خمینی در روز ۱۴ خرداد در کنار مسئولین نظام جمهوری اسلامی و در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی، و در دیگر مجالسی که در سطح کشور برگزار می گردد در حقیقت نمایانگر عزم جزم ملت و مسئولین ایران برای ایستادن بر حقوق حقه خویش همزمان با تلاش صادقانه در کاهش تنش‌ها و ایجاد فضایی آرام و امن برای پیشرفت و تعالی کشور در همه زمینه‌ها است چرا که آرمان امام خمینی: ایران همیشه سربلند و اسلام همواره سرافراز بوده و هست.
ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی و کمیته های مختلف آن با کمال افتخار آمادگی خویش برای گرامیداشت مقدم سبز و گرم شما یاوران ایران و اسلام عزیز، دوستان و پیروان امام خمینی را در برنامه‌های بزرگداشت حضرت امام به شرح زیر اعلام می‌دارد:

مراسم سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴:
شب ۱۴ خرداد بعد از نماز مغرب و عشاء با قرائت قرآن و عزاداری و سخنرانی جناب آقای دکتر پزشکیان ریاست محترم جمهوری اسلامی در حرم مطهر حضرت امام.
مراسم چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۴۰۴:
مراسم عظیم دینی، سیاسی و ملی میثاق با امام و بیعت با رهبری روز چهارده خرداد از ساعت ۸ صبح در حرم مطهر حضرت امام با قرائت قرآن و عزاداری و سخنان یادگار امام آغاز و سپس همگان از بیانات مهم و حکیمانه رهبرعظیم الشان انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بهره مند خواهند شد.
مراسم پنج‌شنبه ۱۵ خرداد ۱۴۰۴:
ضمنا در روز پانزده خرداد مراسم دعای عرفه از ساعت ۱۴:۳۰ در حرم مطهر برگزار می گردد.

شناسه آگهی ۱۹۴۱۰۴۳ میم الف ۷۸۴